

سناریوی سیاه، آینده عراق و مصافهای کمونیسم کارگری

گفتگو با ریوار احمد لیدر حزب کمونیست کارگری عراق



rebwarah@yahoo.com

سیاه یک فدرالیسم قومی با نیروهای قومی - اسلامی حضور آمریکا در عراق همکاری با برداشتن هر احتمال است. آینده عراق را قدمی و ایجاد حلقه جدیدی از سیاست و نقشه هایشان، چگونه می بینید؟
ریوار احمد: آمریکا و وضع نابسامان و در هم ریخته عراق را هر چه بیشتر

صفحه ۲

باز هم فاجعه زلزله

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران حکمتیست

فاجعه با بی مسولیتی و لاقیدی به جان مردم، هنوز کمترین امکان امداد رسانی را فراهم نکرده است. صبح امروز در اعتراض به این بی مسولیتی مردم در مقابل فرمانداری زرنند تجمع کردند. فرماندار شهر زرنند ریزش باران را بهانه عدم ارسال گروههای امداد اعلام کرده است.

مردم ایران بارها و از جمله در جریان تراژدی انسانی زلزله بم نقش مخرب رژیم اسلامی را تجربه کرده اند، جمهوری اسلامی با تحمیل کردن فقر و فلاکت و دور کردن مردم از امکانات زیست مسئول مستقیم اینگونه فجایع است.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست این فاجعه انسانی را به همه مردم و بویژه بازماندگان قربانیان این زلزله صمیمانه تسلیت میگوید و مردم را به یاری مصیبت دیدگان این حادثه غم انگیز فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران حکمتیست
مردم معترض بویژه در شهرهای کرمان و زرنند با ادامه اعتراض به مقدمات دولتی در مقابل استانداری و فرمانداری میتوانند دولت را مجبور به تامین امکانات

اسفند ۱۳۸۳ -

۲۲ فوریه ۲۰۰۵

کمونیست: جامعه و مردم عراق وضعیت پیچیده ای را از سر می گذرانند. اسلام سیاسی در قالب ائتلاف یکپارچه عراق در صدد تامین وضعیتی است که بتواند قانون اساسی را تدوین و مقام نخست وزیری و مجاری قدرت را کسب کند. علاوه بر این نسخه

کمیونست ۲۷

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۷ اسفند ۱۳۸۳ - ۲۵ فوریه ۲۰۰۵

www.hekmatist.com

سردبیر: اعظم کم گویان

در ۸ مارس قدرت جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی را به صحنه بکشانیم



گفتگو با رحمان حسین زاده

r_hoseinzadeh@yahoo.com

کمونیست: اسلام سیاسی دشمن بلاواسطه و اصلی زنان در خاورمیانه است. نمونه ها روشن هستند: ایران، عراق، افغانستان، پاکستان و الجزایر و سودان و ... راه نجات زنان از چنگال این بربریت چیست؟

رحمان حسین زاده: در یک جمله، به نظرم، چنگال این بربریت را باید قطع کرد. در کشورهایی که شما اسم بردید، ما فقط با پروپاگاندا خرافی ملا و آخوند در مسجد و حوزه و حسینیه و روضه های تاسوعا و عاشورا علیه انسانیت و بویژه علیه زنان روبرو نیستیم، تازه در همین سطح هم یک مقابله جدی سیاسی، اجتماعی و آگاهگرانه میطلبد. در همین سطح هم دست مذهب از زندگی مردم باید کوتاه شود. اما در این کشورها اسلام یا قدرت دولتی را تماما در اختیار دارد و یا به نحوی در قدرت سهمیم شده و قوانین خرافی اسلام را حاکم کرده است. در این به زیر کشیدن اسلام صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

تعمیق میدهند. سناریوی انتخابات را که در دو هفته اخیر برآه انداختند قدمی دیگر در همین جهت بود. این انتخابات از منظر آمریکا پروژه ای بود تا خود را از زیر بار فشار داخلی و جهانی در مورد حفظ نیروهایش در عراق خارج کند، و طوری وانمود سازد که رسالت رساندن پیام دموکراسی به عراق را به جا آورده است، گو اینکه قدرت را از راه انتخابات دموکراتیک به عراقیها واگذار کرده است. سپس تحت نام و درخواست این حکومت که از بطن این انتخابات فرمایشی سر بر آورده است امکان ایفای نیروهایش در عراق را فراهم آورد، همزمان این حکومت خودگمارده را در خدمت جنگ با اسلام سیاسی، که خود بدان گرفتار است بکار گیرد.

از زاویه اسلام شیعی که تاکید ویژه ای در بر بایی این انتخابات داشت، این سناریو راهی بود در جهت تقویت و تثبیت موقعیت بالا دست خود بر جامعه عراق. آشکار بود در شرایطی که نیروهای اسلامی توانسته اند با پشتیبانی مستقیم و همه جانبه جمهوری اسلامی، تسلط میلیشای خود را بر بخش وسیعی از مناطق جنوبی و بخشهایی از مناطق مرکزی عراق تحمیل نمایند، میتوانند این انتخابات را به نمایش "آری" گفتن به خودشان تبدیل کنند که در عمل اتفاق افتاد و در نتیجه این مضحکه به اصطلاح انتخاباتی توانستند به این موقعیت دست پیدا کنند.

نیروهای ناسیونالیست کرد طبق ستراتیژی خود مبنی بر وابستگی به سیاست آمریکا ناگزیر می بایست در این سناریو شرکت میکردند، آنان تلاش نمودند تا برگرداندن کردستان از یک جدائی دوفاکتو ۱۳ ساله، به زیربال دولت مرکزی و سرخم کردن در مقابل حاکمیت اسلام سیاسی بر عراق، را دستمایه دستیابی به گوشه ای از قدرت خود نمایند. سعی کردند تا با برانگیختن ارتجاعی ترین احساسات ناسیونالیستی در میان مردم

کردستان، سهم خود در قدرت را تضمین نمایند. آنان آماده بودند پشت کلیه پروژه ها و سناریوی تیره و ارتجاعی به صف شوند تنها به شرطیکه سهم آنان در این قدرت مسجل شود.

به همان ترتیبی که ما پیش بینی میکردیم، سناریوی انتخابات وضع اسفبار عراق را وخیم تر کرده است. جنگ و تروریسم و تداوم سناریوی سیاه به قوت خود باقیست، آنچه که اضافه شده است اسلام سیاسی میخواهد با بهره گیری از نتایج این به اصطلاح انتخابات، به تسلط خود مشروعیت داده و همان احکام و شریعت اسلام را که در دوران رژیم بعث زیربنای قانون بود را بر جامعه عراق تحمیل نماید. با اولین آثار نتایج این انتخابات این پیام به وضوح از جانب آخوند و مراجعشان اعلام گردید. از طرف دیگر ناسیونالیستهای کرد میخواهند بردیوارهای فرسوده و اوضاع نابسامان و متشنج عراق طرح فدرالیسم قومی را بنا نهاده و متحقق نمایند.

در صورتیکه این طرح و آلتراثیوها تحقق پیدا کنند آینده ای که در سایه شوم این تحولات بر جامعه عراق ترسیم میشود، بسیار تیره تر و ارتجاعی تر از دوره رژیم فاشیستی بعث عراق خواهد بود. این جامعه که سالیان متمادی از دست سنن ومقررات فرسوده و اجباری اسلامی به تنگ آمده است، اینبار به شیوه ای دیگر و با شدت بیشتری زندگی مردم ونحوه سوخت و ساز روزمره و ابتدائی ترین حقوق مردم، در چارچوب این سنن و عادات کهنه قالب زده میشود. زنجیر اسارت بگردن توده میلیونی متمدن انداخته شده و کارنامه رژیم بعث در مسیر کشتار و قتلهای ناموسی و اسارت زن در شکلی وسیعتر ادامه خواهد یافت. کلیه معیار و ارزشهای آزادیهای سیاسی و مدنیست شهروندی مردم به شیوه ای رسمی زیر پا میروند، بعبارت دیگر نسخه ارتجاعی جهنم جمهوری اسلامی ایران و راهزنان طالبان به عراق

منتقل میشود.

فدرالیسم قومی خود به محنت دیگری تبدیل میشود، تصور کنید اگر همه شهروندان و هر شهر و محله و هر قطعه زمین و کوه و برزی مهر هویت ملی بگردنش آویخته شود، اگر خطی قرمز میان اینان کشیده شود و هر سوی این خط قرمز مهر قومی را بر خود زده باشد، اگر وزارتخانه و کرسیهای مجلس و حق شهروندی بر اساس هویت قومی و تعلقات مذهبی تقسیم شود، چه آشوب و جنگی پایان ناپذیر دم در هر شهروندی سر بر می آورد. هر روز بر سر تقسیم مجدد این سهام طبق این تقسیم بندی پوچ وساختگی جنگ و نزاع در میگردد. این خطری جدی در راه یوگوسلاوی کردن عراق است.

البته من اینرا در پاسخ به سوال شما بیان میکنم با این فرض که اگر طرح و پلانفرم این ندروها موفق و تثبیت شود، با اینحال اینان مشکل و موانع زیادی بر سر راه دارند. از همین حالا رنگ باختن توهم نسبت به جار و جنجال انتخابات شروع شده است. این طرحها قبل از اینکه مجال پیاده شدن پیدا کنند در مقابل نارضایتی مردم قرار میگیرند. قبلا اسلامیون تحت نام مجلس حکم قراری را بنام قرار ۱۳۷ که محتوی آن حاکی از غلیظ کردن شریعت اسلامی بر قانون ثبت احوال بود.

این قرار بطور وسیعی مورد اعتراض شدید مردم قرار گرفته و در عرض دو هفته به گور سپرده شد. به عقیده من این نمونه روشنی بود از تناقض آشکار خواست و آرزوهای مردم عراق در مقابل اسلام و نیاتش. علاوه بر این و علیرغم ناراضی بودن مردم و نقش جبهه کمونیسم و سکولاریسم برای دفع نسخه سازی ای در آینده عراق، خود این نیروها مملو از تناقض اند. مسئله فدرالیسم بمثابه معضلی عمیق کشمکش زیادی بدنبال دارد. ناسیونالیستهای کرد، فدرالیسم و مسئله کرکوک و از منظر خودشان قانون

اساسی را مثل سه خط قرمز به رخ اسلامیها میکشند. که به عقیده من مساله اساسی شان فقط فدرالیسم است و حتی بر سر اینکه کرکوک به آنها تعلق گیرد زیاد مصر و جدی نیستند و اینرا با شیوه های مختلف بیان میدارند. بحث قانون اساسی سکولار از جانب اینان بمثابه یک بازی است و من هیچ جدیتی در آن نمی بینم، کارت این بازی تنها فشاری است بر علیه اسلامیها در جهت قبول فدرالیسم از جاتب آنها و گرنه کی میتواند به آنان باور داشته باشد که در طی ۱۳ سال کردستان تحت سلطه خود را زیر لوای قوانین اسلامی رژیم بعث اداره میکنند و با جنگ و دندان از آن پاسداری می نمایند و در تداوم همین سنن و قوانین با ما به جنگ پرداختند. آیا اکنون میتوان ادعای آنها در مورد مبارزه برای قانون اساسی سکولار عراق را پذیرفت؟

کمونیسیت: چه راه برون رفتی از این وضعیت برای مردم عراق وجود دارد؟

ریبوار احمد: راه برون رفت از این وضعیت، خاتمه دادن به سناریوی سیاه و بازسازی زندگی مدنی در جامعه است. و این کار هم بجز کوتاه کردن دست عاملان و نیروهای پشت سر این سناریوی سیاه امکان پذیر نیست. آمریکا با بر پا کردن جنگ و میلیتاریسم و ویران کردن پایه های اساسی زندگی اجتماعی، شیرازه مدنیت را از هم پاشیده و اشغالگری را به مشکلی جدی و عمده در جامعه تبدیل کرده است. نیروهای قومی و مذهبی نیز با انگیزه دستیابی به قدرت، به همکار سیاستهای درنده خویانه آمریکا تبدیل شده و جامعه را به ویرانی کشیده اند. بدون بیرون راندن آمریکا از عراق و خاتمه دادن به سیاست اشغال هیچ راه دیگری در جهت تنگیسیر و تحول اساسی در اوضاع فعلی وجود ندارد.

کمونیسیت: راه برون رفتی از این وضعیت برای مردم عراق وجود دارد؟

ریبوار احمد: به عقیده من در این اوضاع، موقعیت عراق به هر سمتی برود تاثیرات مستقیم و عمده ای روی کل منطقه بخصوص ایران و فلسطین بمثابه دو مولفه اساسی دارد. من گمان نمیکنم این زیاده روی باشد اگر بگویم مشخص شدن وضع عراق در هر موقعیتی روی معادلات جهان هم تاثیر دارد. چون در واقع جنگی که در عراق در جریان است، اساسا جنگ میان دو قطب جهانی است و با تداخل کلیه نیروهای عمده دنیا، عراق را تبدیل به میدان تسویه حساب کشمکشهای جهانی کرده اند. آمریکا جنگ خود را در راستای تحمیل قدرتی خود بر دنیا بر پا کرده است. میخواست نظم نوین خود را بر دنیا تحمیل نماید و در تلاش بود تا بلکه بتواند سهم عمده ای از محصول و نتیجه دسترنج کارگران و بشریت را خود تصاحب کند. منظورش این بود تا با قدرتی تعقیب منافع خود را بعنوان قانون بر دنیا تحمیل کند. بهمین دلیل شکست یا پیروزی اش در عراق تاثیر مستقیمی روی این طرح آنها دارد. ولی به عقیده من با تصویری که امروز از وضعیت

راه برون رفت از این وضعیت و ترسیم آینده ای درخشان برای عراق وجود دارد. و این امر تنها در گرو وجود

به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست پیوندید!

نبرد آمده و در شکست دادن هر دو قطب تروریستی جهان سهیم باشند. بویژه اقدامی مهم و اساسی این است که صدای ما را به گوش جهانیان برسانند همانطور که دوستان ما در ژاپن، فرانسه، ایتالیا، بریتانیا و دیگر نقاط دنیا این را بطور مجزا انجام داده اند.

همزمان وظیفه این نیرو و جنبش سکولار و متجدد است که اعتراض بشریت متمدن بر علیه جنگ و قلدری و میلیتاریسم آمریکا و انزجار از تروریسم اسلامی را روی ریل واقعی بیندازند. راه ندهند که ناراضی بودن از جنگ طلبی آمریکا به سرمایه ای برای وحشیگری اسلامی تبدیل شود و نیز مانع از این شوند تا نفرت از بربریت اسلامی به توجیهی برای پوشاندن وحشیگری آمریکا شود چون در واقع هر کدام از این دو قطب درنده خوئی خود را در زیر لوای وحشیگری دیگری توجیه می نماید. جنبش اعتراضی بشریت آزادیخواه در دنیا و نیروهای سکولار و رادیکال باید هر دو قطب این کشمکش را هدف قرار داده و پشت سر جبهه آزادی و سکولاریسم بخت شود.

ترجمه از: علی عبدالی

سیاستهای جهانی را تحت تاثیر میگذارد. حتی تداوم این روند همان نتایج را بدنبال خواهد داشت. عراق به میدان نبرد و مسابقه تروریستی بدل شده که سر تا سر دنیا را تحت الشعاع قرار داده است. اگر جبهه بشریت متمدن فقط نظاره گر آن باشد تا برنده و بازنده این نبرد میان آمریکا و اسلام سیاسی تعیین شود، جهان فردا بدام برنده آن گرفتار خواهد شد.

کافی است دقتی در نقش و عملکرد نیروی ارتجاع و قلدرمنش در عراق بشود تا وظیفه و رسالت نیروی آزادیخواه و جنبش سکولار در قبال مردم عراق روشن شود. آمریکا تمام هم پیمانان خود را در عراق گرد آورده تا پیروزی خود را تضمین کند. از طرف دیگر نیروهای قومی و مذهبی با حمایت همه جانبه و مستقیم باران خود در سطح منطقه و جهان در تلاش موفق ساختن آلترناتیو خود هستند. پیشاپیش همه جمهوری اسلامی و بدنبال آن دیگر دول منطقه پیروزی خود را در یکسره شدن کار عراق بنفع ندره‌های وابسته بخود میدانند.

جبهه اسلام سیاسی از متمم نقاط دنیا نیرو به عراق گسیل داشته، تسلیحات و تدارکات لازم برای این جنگ را فراهم کرده و حتی برای آن رهبر هم تعیین کرده است. زرقاوی این ماموریت در عراق را برای جبهه خود بعهده گرفته است بدون اینکه به درجه نامربوط بودن خودش به جامعه عراق بیندیشد.

من اعتقاد دارم که رسالت انسانی، ترقیخواهانه و سکولاریسم دنیا هم، به همان شیوه و حتی بیشتر ایجاب میکند که به شیوه ای فعالتر، دخالت گرتتر، همه جانبه و مستقیم در میدان نبرد سیاسی عراق بمنظور تقویت جنبش خود و با هدف به

پیروزی رساندن این جنبش در عراق، پشت سر ما ایستاده و با هر شیوه ممکن بما کمک و همکاری نمایند. به هر طریق ممکن ما را تقویت نموده، بمیدان این

مبارزه حزب کمونیست کارگری را تشکیل می دهند.

ولی هدایت مبارزه در این میدانها، بدون سازماندهی این جنبش عظیم توده ای که قبلا بدان اشاره شد غیر ممکن است. باید جنبش علیه از هم پاشیدن شیرازه زندگی مردم براه افتد. این پروژه اصلی حزب در سطح عراق است. تلاش ما بر این استوار است که برای سازمان دادن نیروی جبهه آزادی و سکولاریسم در عراق و در جهان در قالب تشکیلاتی وسیع و توده ای حول پلاتفرمی که همراهِ اخراج نیروهای آمریکایی و کوتاه کردن دست اسلام سیاسی و ناسیونالیسم را در دستور خود داشته باشد و در جهت بازسازی و بازگرداندن مدنیت گام بردارد، اقدام کنیم. بدین منظور باید برای کسب قدرت تلاش شود، حکومت موقت اعلام گردد و امر امنیت، آزادی و رفاه مردم را بلافاصله در دستور قرار دهد.

اصلیترین پایه های این سازمان، شکل محلات است که با تکیه به نیروی مسلح توده ای قدرت مردم را به اجرا در آورد، در هر محله و شهر و منطقه ای بسته به تناسب قوا، اداره امور را در دست بگیرند، جهت بازگرداندن مدنیت تلاش نموده و قوانین انسانی و مترقی را به اجرا در می آورند. در سطح جهانی نیروی متمدن دنیا را بمنظور دخالت فعال و موثر، بنفع آزادی و سکولاریسم بسیج میکنند. فشار جهانی بر آمریکا و جبهه سناریوی سیاه را تشدید نموده و میدان جریاناترتجاعی را بر علیه مردم عراق محدود میکنند.

کمونیس: وظیفه نیروهای آزادیخواه و سکولار در سطح بین المللی در قبال مردم عراق چیست؟

ریبوار احمد: من قبلا توضیح دادم که جنگ و کشمکش عراق تنها به عراق محدود نمیشود. پیروزی و شکست هر طرف درگیر، تاثیرات جهانی بر جای گذاشته و نتایج آن مردم جهان و

رادیکال و تندهای کارگران، زنان و توده های مردم، افق این جبهه را در میدان سیاسی عراق و در تقابل با وحشیگری آمریکا و اسلام سیاسی روشنی می بخشد. ما در عراق نمایندگی این جبهه جهانی را میکنیم. بنظر من هیچ راه چاره دیگری نیست جز اینکه هر دو سوی این قطبهای تروریستی توسط قطب سوم به شکست کشیده شوند. این کار نه تنها عراق را از زیر سلطه این نیروها و از خطر آینده تیره ای که در پیش دارد دور میکند، بلکه وزن و تناسب قوا را در کل منطقه بنفع آزادی و سکولاریسم و چپ تغییر میدهد، بهترین زمینه راه حل عادلانه مشکل فلسطین را بنفع تشکیل دولت مستقل فلسطین باز کرده، همزمان پایه های جمهوری اسلامی را شل تر نموده و بکمک جنبش سرنگونی طلب و پیروزی انقلاب در ایران به معنای رسیدن کمونیسم و طبقه کارگر به قدرت و آینده سوسیالیستی برای ایران می شتابد.

کمونیس: چه مصافهایی پیشروی حزب کمونیست کارگری عراق قرار دارد؟

ریبوار احمد: رسالت عمده سازمان دادن و رهبری کردن جنبشی توده ای برای بیرون راندن نیروهای آمریکایی و کوتاه کردن دست نیروهای سناریوی سیاه در واقع بعهده حزب کمونیست کارگری افتاده است. اگر این حزب اینکار را بکند میشود در غیر اینصورت نمیشود. مقابله با آمریکا و اسلام سیاسی و ناسیونالیسم و نیز ناکام کردن طرح و آلترناتیوهای ارتجاعی آنان، بسیج و سازماندهی نیروی توده ای مردم برای دخالت در سرنوشت زندگی و اداره امورشان، کشمکش بر سر چگونگی آرایش دولت و تدوین قانون منطبق بر سکولاریسم و آزادیخواهی و متکی به اراده آگاهانه و آزادانه مردم، دفاع از حقوق مدنی کارگران، زنان، جوانان و توده های مردم در مقابل تعرض نیروهای سناریوی سیاه و بازگرداندن مدنیت مهمترین مصاف و جبهه های

از میان خود تعیین کنند در هر دو حال آینده ای تیره، تلخ و خطرناک بر منطقه فرض میشود. اگر آمریکا از دست اسلام سیاسی شکست بخورد، این منطقه درگیر ارتجاعیترین بدیل ممکن میشود. معضل فلسطین عمیق تر شده، تروریسم وسعت پیدا کرده و امکان راه حل سیاسی این معضل را محدودتر می نماید. از سوی دیگر گسترش تروریسم اسلامی روند فاشیستی و نژادپرستانه اسرائیل را نیز تقویت کرده و تشنج بیشتری را موجب میشود. در ایران هم که جمهوری اسلامی در لب پرتگاه مرگ قرار دارد در جهت طولانی کردن بقای خود و تشدید زنجیر اسارت در دست و پای مردم مردم بمیدان آمده ایران قابلیت مانور بیشتر میشود.

البته اگر آمریکا هم پیروز شود، این منطقه گرفتار حلقه های بعدی نقشه های آمریکا و تلاشهایش برای اجرای نظم نوین جهانی و میلیتاریسمش میشود. بوضوح معضل فلسطین چون همیشه در سایه سیاست پشتیبانی گرم و مستقیم آمریکا از نژادپرستی و تروریسم دولتی اسرائیل، متشنج تر میشود. در ایران هم، تهدید حمله نظامی آمریکا به رژیم ایران امکان میدهد تا با یورش به مردم و سرکوب جنبش سرنگونی، جمهوری اسلامی را از درون منسجم تر نماید، فضای انقلابی را کنار بزند و بمتابه فاکتوری بزرگ در جهت عروج راست جامعه بر فضای سیاسی تاثیر بگذارد.

اما در واقع جریان جنگ در عراق تنها جنگ دو طرف نیست، بلکه طرف سوم هم وجود دارد. بجز آمریکا و اسلام سیاسی، جبهه بشریت متمدن هم طرف سوم این قضیه است. قطب سوم که در تقابل با بربریت این دو قطب تروریستی بمیدان آمده است نیروی عظیم، وسیع و جهانی است، ولی قطب هنوز فاقد سازمانیافتگی، انسجام و رهبری است.

وجود حزب کمونیست کارگری عراق و تشکلهای

به سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست به پیوندید!

بقیه از صفحه ۱
نتیجانی و برچیدن قوانین عصر حجر صرفاً و تنها کار جنبش زنان نیست، اما جنبش آزادیخواهان زنان میتوانند و باید یک ارکان مهم واژگون کردن اسلام سیاسی باشد. مشابه موقعیتی که جمهوری اسلامی در ایران با آن روبرو است. رسالت فوری کل جنبش آزادیخواهان و برابری طلبانه در خاورمیانه پایان دادن به میداننداری اسلام سیاسی و کلا کوتاه کردن دست مذهب از زندگی مردم است. در این میان اگر سرکار آمدن جمهوری اسلامی سرآغاز قدرت گیری اسلام سیاسی و تعرض بی نظیر به زنان بود، اینبار سرنگونی کردن جمهوری اسلامی میتواند سرآغاز پایان این سرطانی لجام گسیخته و فصل نوین رهایی زن در خاورمیانه باشد.

کمونیسیت: چرا جنبش رهایی زنان در ایران نسبت به گسترده‌گی مقاومت و عکس العمل وسیع به تبعیض و ستم اسلامی و مردسالاری، از شکل و خواسته‌های روشن و مبارزه نقشه مند برای رهایی برخوردار نیست؟ برای رفع این مانع و مشکل جدی چکار باید کرد؟

رحمان حسین زاده: با این نکته موافق نیستم که جنبش رهایی زن از خواسته‌های روشنی بهره‌مند نیست، فکر میکنم جنبش رادیکال رهایی زن در ایران به لحاظ پلاتفرم و مطالبه و خواسته از روشن بینی خوبی بهره‌مند است. اما در زمینه شکل و مبارزه نقشه مند حق با شماست. مشکل را در چند سطح باید دید. در وهله اول نزدیک به سه دهه حاکمیت جمهوری اسلامی، قوانین اسلامی و سرکوب زنان و کل جامعه تناسب قوای بشدت نامساعدی را علیه جنبش آزادیخواهان و بالاخص جنبش زنان تحمیل کرده است. جنبش زنان مثل کل

جامعه دوباره کمر راست میکند و جنب و جوش سالهای اخیر بر این بستر معنی دارد. علاوه بر آن فرهنگ و سنت عقب مانده و مشخصاً مردسالارانه در جامعه ایران مانع مهمی در مقابل تشکل یابی و مبارزه هدفمند زنان بوده است. و درکنار اینها وجود گرایشات مختلف در جنبش زنان و پراکندگی ناشی از آن را هم باید به حساب آورد. می‌بینید همزمان موانع چند جانبه ای عمل میکنند. فکر میکنم جنبش ما، جنبش آزادیخواهان و برابری طلبانه زنان کار مرکب و چند جانبه‌ای را در دستور دارد.

جنبش رادیکال زنان با قوت پلاتفرم روشن خود بسرعت باید خود را گسترش دهد. به جنبش قوی و اجتماعی تبدیل شود. به جنبش هژمونیک در جنبش عمومی زنان تحت ستم و تبعیض تبدیل شود. این جنبش با هر قدم پیشروی خود بتواند، گشایش واقعی در زندگی و مبارزه زنان ایجاد کند. زنان را در موقعیت بهتر اجتماعی و سیاسی قرار دهد. درایران امروز بتواند پرچم پایان دادن به آپارتاید جنسی، پایان دادن به حجاب اجباری را توده‌ای کند. عقب نشینی جدی را بر رژیم اسلامی و مردسالاری در ایران تحمیل کند. در این بطن میتواند تناسب قوای مساعدتری ایجاد کند. در تناسب قوای مناسبتر قاعدتاً تشکل یابی و سازمانیافتگی به امر عاجل‌تری تبدیل میشود. امری که سرآغاز آن را در ایران داریم تجربه میکنیم.

قدرت جنبش زنان باید در تشکلهای توده ای این جنبش، در انواع نهادهای کانونها و سازمانهای رادیکال و اجتماعی زنان ترجمه شود. علاوه بر اینها پیشروی قطعی جنبش زنان در گرو سرنگونی جمهوری اسلامی است. در نتیجه جنبش زنان لازمست

موقعیت خود را به عنوان یک محور مهم جنبش انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی تثبیت کند. راه همبستگی و دست در دست هم گذاشتن با جنبش رادیکال سرنگونی رژیم اسلامی را تضمین کند. و نهایتاً یادمان نرود، همسرنوشتی و همبستگی عملی جنبش رادیکال زنان و جنبش کمونیسیم کارگری محور اصلی محور مهم پیشروی جنبش آزادیخواهان و برابری طلبانه و عامل مهم فائق آمدن بر پراکندگی و تضمین کننده پیشرویهای اساسی جنبش ما است.

کمونیسیت: حزب حکمتیست چه کمپینها و برنامه‌هایی به مناسبت روز جهانی زن و برای گسترش و تعمیق مبارزه آزادیخواهان زنان در ایران در دستور کارش دارد؟

رحمان حسین زاده: ۸ مارس سالهای اخیر فرصتی بوده که جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی زنان در ایران، ابراز وجود کند. امسال و در ابعاد گسترده‌تری این تلاش وجود دارد. طبعاً موانع و محدودیتها زیادند. اما چنین پیداست که عزم و اراده و ابتکار هم برای کنار زدن این موانع و گرامیداشت باشکوه ۸ مارس هم جدی است. هدف ما اینست در این مناسبت جنبش رادیکال و حق طلب زنان ابراز وجود اجتماعی جدی داشته باشد. حول شعارهای کلیدی خود در این دوره " نه آپارتاید جنسی، نه حجاب اجباری، زنده باد آزادی و برابری"، متحد و متشکل و قدرتمند ابراز وجود کند. تضمین اینکارها در گرو تلاش آگاهانه شبکه‌های رادیکال کمونیسیتی در جنبش زنان، در گرو پاپیش گذاشتن فعالین رادیکال و چپ جنبش زنان و عروج آنها به عنوان سخنگویان این جنبش آزادیخواهان است. در این

راستا حزب حکمتیست در داخل و خارج کمپین ویژه و همه جانبه‌ای را در دستور کار دارد. مجموعه اقدامات ما باید بتواند این روند را تقویت و تحکیم کند. تلاش ما اینست در تناسب قوای فعلی بیشترین تجمعات و مراسمهای گرامیداشت روز جهانی زن در شهرهای ایران برگزار شود. ماتریال و ادبیات مربوط به روز جهانی در ابعاد وسیع پخش شود. قطعه‌نامه‌های حاوی عاجل ترین مطالبات جنبش زنان منتشر شود. در این پروسه صفوف جنبش حق طلبانه زنان متحدتر و متشکل تر شود. موقعیت قدرتمندتر اجتماعی را کسب کند.

فعالین و رهبران چپ و رادیکال آن به عنوان سخنگویان جنبش آزادی و برابری عروج کنند. افق و سیاست کمونیسیتی و حکمتیستی در جنبش زنان موقعیت محکمتری پیدا کند. در خارج کشور هم حزب حکمتیست و حزب کمونیسیت کارگری عراق تقریباً در همه کشورهای غربی مشترکاً آکسیونها و جشنهای ۸ مارس را در دستور کار داریم. همچنین سازمان آزادی زن عراق و سازمان رهایی زن هم مجموعه آکسیونها و اقداماتی را در دستور کار دارند. این اقدامات در خارج صدای جنبش برابری طلبی زنان در ایران و عراق را به گوش جهانیان میرساند و مهمترین ضرورت یک صف بندی بین المللی را علیه تعرض اسلام سیاسی به حقوق زنان در این دو کشور و در خاورمیانه را فراخوان میدهد.

کمونیسیت: پیام ۸ مارس شما به زنان و مردان آزادیخواه چیست؟

رحمان حسین زاده: پیام سر راست من اینست دست در دست هم بگذاریم و با تمام ابتکار و توان بیشترین قدرت

جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی را به صحنه بکشانیم. بیشترین و پرجمعیت ترین مراسمهای ۸ مارس را در ایران و خارج برگزار کنیم. حول نه آپارتاید جنسی، نه حجاب اجباری، و زنده باد آزادی و برابری متحد شویم و هر انسان شریف و متنفر از تبعیض و اسلام را به این صف بکشانیم. تجارب مراسم سالهای گذشته را بکار بگیریم. در چند ماهه اخیر جنب و جوش اعتراضی بخشهای مختلف جامعه گسترش یافته است. رژیم اسلامی زیر ضرب این اعتراضات است. ۱۶ آذر امسال و حضور موثر چپ و همایشها و فستیوالها و مبارزات رادیکال بعدی شرایط مساعدتری را نشان میدهد. با تشخیص این وضعیت است که جنب و جوش گسترده‌ای برای برگزاری مراسمهای ۸ مارس امسال وجود دارد. فکر میکنم با ابتکار و روشن بینی ما رسیده‌ایم که جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی را میبوسد. به سهم خود همه انسانهای آزادیخواه و برابری طلب و همه حکمتیستها را در شهرهای ایران و در سطح بین المللی به ممکن کردن این هدف فرا میخوانم. بیابید همه ابتکارات و اقدامات لازم را بکار بگیریم. به نحوی که در فردای بعد از ۸ مارس، احساس کنیم هر کاری که ممکن و لازم بوده، انجام داده‌ایم و افسوس نخوریم که ابتکار و اقدامی از قلم افتاده است. در خاتمه فرارسیدن ۸ مارس را به همه زنان و مردان و انسانهای آزادیخواه و برابری طلب تبریک میگوییم.

تغییر ساعت و روز برنامه تلویزیون پرتو

برنامه های پرتو روزهای چهارشنبه ساعت ۷:۳۰ تا ۸:۳۰ شب به وقت تهران (۵ تا ۶ بعدازظهر به وقت اروپای مرکزی و ۸ تا ۹ صبح به وقتماهواره امریکای غربی) از شبکه کانال یک روی تکه استار ۱۲ پخش میشود. این برنامه پنجشنبه ها ساعت ۷:۳۰ تا ۸:۳۰ صبح تهران مجدداً پخش میشود.

برنامه پرتو را روی سایت آن نیز قابل مشاهده است: <http://www.hekmatist.com/parto/>

مرگ بر جمهوری اسلامی – زنده باد جمهوری سوسیالیستی!